۶۷۸۲ پنجشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۳ ■ ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۵

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه



در گفت‌وگوی «جام جم» با احمد عربلو مطرح شد

غفلت ادبیات داستانی از روایتگری مذهبی

صفحه ۱۱



پیشنهادهای «جام جم» برای آخر هفته با تلویزیون

ورود پدر و سرباز به دانکرک

۷



نگاهی به فیلم «تگزاس ۳» سیدمسعود اطیابی

هدف فقط خندیدن

۱۰



پیمان جبلی در تشریح ۳ راهبرد ویژه انتخاباتی رسانه ملی مطرح کرد:

امیدواریم در مناظرات انتخاباتی شاهد بداخلاقی نباشیم

۷

زاویه دید

روایتی کوتاه از زندگی امام محمدتقی علیه‌السلام

ایستاده در کوران انحرافات شیعه

هما شهرام‌بخت
گروه فرهنگ و هنر

محمدبن علی‌بن موسی، مشهور به امام محمد تقی (ع) و امام جواد(ع) نهمین پیشوای شیعیان است. مادر آن حضرت سبیکه (سکینه) و به روایت دیگر خیزران نام داشت و از خانواده همسر پیامبر، ماریه قبطیه و اهل نوبه (مکانی در آفریقا و نزدیک مصر) بوده است. القاب بسیاری به امام محمدبن علی علیه‌السلام نسبت داده می‌شود که لقب «جواد» از معروف‌ترین آنهاست. القاب دیگری مانند تقی، زکی، مرتضی، قانع، رضی، مختار، متوکل، منتجب نیز از دیگر القاب آن حضرت است. درباره زندگی امام جواد (ع) اطلاعات چندانی در منابع تاریخی وجود ندارد و دلیل آن محدودیت‌های سیاسی موجود در حکومت عباسیان، تقیه و عمر کوتاه آن امام دانسته شده است.

امام جواد در طوس

این حضرت دور از پدر خود، امام رضا زندگی می‌کرد، زیرا در زمانی که مأمون امام رضا را به خراسان فراخواند، ایشان بدون خانواده‌شان شهر و دیار خود را ترک کردند. بنابه نوشته ابن فندق، صاحب کتاب تاریخ بیهق، قدوم مبارک امام جواد (ع) به خراسان و طوس رسید تا با پدر خود دیدار کند. این امام همام پس از امام رضا (ع) در کودکی و در سن هشت‌سالگی به امامت رسیدند. به امامت رسیدن ایشان در این سن اندک همواره برای محافل کلامی مورد سؤال بوده و وقتی از امام رضا (ع) درباره این امر پرسیده شد، ایشان جواب داد که «سن حضرت عیسی هنگامی که نبوت به وی افاضه شد، بسیار کمتر از کودک من بود.» به همین دلیل سن کم این امام هرگز نتوانست بر عقیده شیعیان امامان خللی وارد کند. راسخ بودن عقیده شیعیان بر امام بودن فرزندان ائمه به‌واسطه پاسخ دادن تمامی سؤالات و مشکلات شیعیان به‌وسیله امامان بود و به همین خاطر نیز شیعیان آنها را امامان معصوم می‌دانستند. به طور کلی شیعیان بر آن بودند که امامان آنها از علمی الهی برخوردار هستند و خلفا برای آن‌که اعتقاد شیعیان به امامان را دچار تزلزل کنند و باعث شوند آنها از پیروی امامان خودداری نمایند، مجالس مناظره‌ای بین آنها و دانشمندان بنام تشکیل می‌دادند.

ازدواج سیاسی

مأمون که قصد کنترل ائمه را داشت، در زمان امامت امام رضا (ع) او را ولیعهد خود کرد و پس از امام رضا (ع) بر آن شد تا امام محمد تقی (ع) را داماد خود کند؛ از آن رو دخترش ام الفضل را به ازدواج او درآورد. این ازدواج امری سیاسی بود و مأمون قصد داشت با این کار امام جواد (ع) و ارتباط ایشان با شیعیان را زیر نظر خود درآورد. به‌علاوه او خود را علاقه‌مند به علویان نشان می‌داد تا آنان را از قیام علیه خود بازدارد. با این حال، این ازدواج باعث اعتراض اطرافیان مأمون شد. آنها از بازگشت خلافت به علویان هراس داشتند و از آنجایی که قادر نبودند مخالفت خود را به‌طور آشکارا بیان کنند، اعلام داشتند که مأمون دختر خود را به ازدواج کودکی درآورده که نمی‌تواند حلال را از حرام تشخیص دهد و واجب را از مستحب بازشناسد.

مناظره علمی امام جواد (ع)

مأمون که در میان خلفای عباسی به علم‌دوستی شهره بود و فیلسوف خلفای عباسی شناخته می‌شد، برای اثبات تصور اشتباه اطرافیانش، مجلس مناظره علمی بین یحیی بن اکثم، بزرگ‌ترین دانشمند و فقیه سنی آن عصر و امام جواد (ع) ترتیب داد. مأمون در این‌باره می‌گوید: «ابوجعفر امام جواد (ع) را با این‌که سن او اندک است، بدان جهت برگزیده‌ام که برتری او را بر همه اهل فضل و علم محرز می‌دانم و امیدوارم آنچه را که هم‌اکنون فهمیده‌ام، در آینده بر همگان روشن شود تا بدانند نظر من درباره وی درست بوده است... من این جوان را بیش از شما می‌شناسم. او از خاندانی است که علم‌شان لدنی بوده و از الهام خدا سرچشمه می‌گیرد و پدرانش همواره در علم و ادب از کسب علم و آموزش‌های معمول بی‌نیاز بوده‌اند و به منظور روشن شدن مسأله، هر وقت خواستید می‌توانید او را بیازمایید. رسول جعفریان، تاریخ‌پژوه تشیع، در کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه» با ذکر نقل قول بالا از مأمون بیان می‌دارد که ادعاهای دانش‌دوستی مأمون نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. او معتقد است که بنابر روایات شیعه، مأمون به منظور «به زانو درآوردن امام جواد (ع)» از یحیی بن اکثم خواست تا با آن حضرت مناظره کند. پس از مأمون، معتصم جایگاه خلافت او را تصاحب کرد. او نیز همانند پدرش، امام جواد (ع) را به بغداد فراخواند تا امام را زیرنظر داشته باشد. امام محمد تقی (ع) به کنیه جواد موسوم بود و امامی بود با جود و بخشندگی فراوان. این بخشندگی در اشاره‌ای که در کتاب «کافی» شده است، طی نامه‌ای که ایشان به فرزندش فرستادند، مشهود است. علی بن موسی‌الرضا(ع) در نامه‌ای به پسرش سفارش کرد: «هروقت می‌خواهی از خانه خارج شوی، مقداری سکه طلا و نقره همراه داشته باش. هیچ‌کس از تو درخواستی نکند، مگر این‌که چیزی به او بدهی.»

> در دوره امامت امام جواد(ع) برخی فرقه‌های اهل حدیث وجود داشتند و آن حضرت با آگاه کردن شیعیان، تلاش داشتند تا از انحراف شیعیان و جذب شدن‌شان به این فرقه‌ها ممانعت کنند

میراث علمی، عقیدتی امام محمد تقی(ع)

کوتاه بودن سن امام جواد(ع) و رحلت ایشان در سن ۲۵ سالگی باعث شد که روابط کمتری با شیعیان خود داشته باشند. مطالبی که از اصحاب و کتب آنها از امام جواد(ع) باقی مانده نشان می‌دهد که احادیث برجای مانده از آن امام همام بیش از ۲۲۰ حدیث شامل مسائل مختلف اسلامی است. بخش زیادی از روایات فقهی امام در نامه‌هایی موجود است که ایشان در پاسخ اصحاب به بلاد مختلف اسلامی فرستاده‌اند و تردیدی نیست که به خاطر شرایط سیاسی دوران ایشان نامه‌های زیادی از بین رفته است. منابع بازمانده از احادیث امام محمد تقی(ع) نشان‌دهنده عظمت علمی و احاطه ایشان بر مسائل فقهی، تفسیری، عقیدتی و مناجاتی است. کمالات اخلاقی این امام با جود و سخاوت در لابلای کلمات قصار برجای مانده از ایشان به خوبی مشهود است. در واقع کتاب‌های احادیث امامان علیهم‌السلام که اصحاب آنان از زمان امام باقر علیه‌السلام به بعد تنظیم کرده بودند، نشانگر توجه روزافزون امامان علیهم‌السلام و شیعیان آنان به کار فرهنگی و فکری بود و نقش بسیار سازنده‌ای در ترویج عقاید و فقه شیعه در این مناطق برعهده داشت. شیعیان امامی در کل سرزمین اسلامی زندگی می‌کردند و پراکنده بودند. اکثر آنها بیشتر در شهرهای عراق مانند بغداد، مدائن و سواد ساکن بودند و عده زیادی هم در ایران مانند خراسان، قم، بست و سجستان (سیستان) یا بخش‌هایی از کشورهای دیگر مثل مصر زندگی می‌کردند. روش ارتباط آنها با امام به وسیله ارتباط وکلای آن حضرت با شیعیان بود که این ارتباط غالبا در موسم حج پیش می‌آمد.

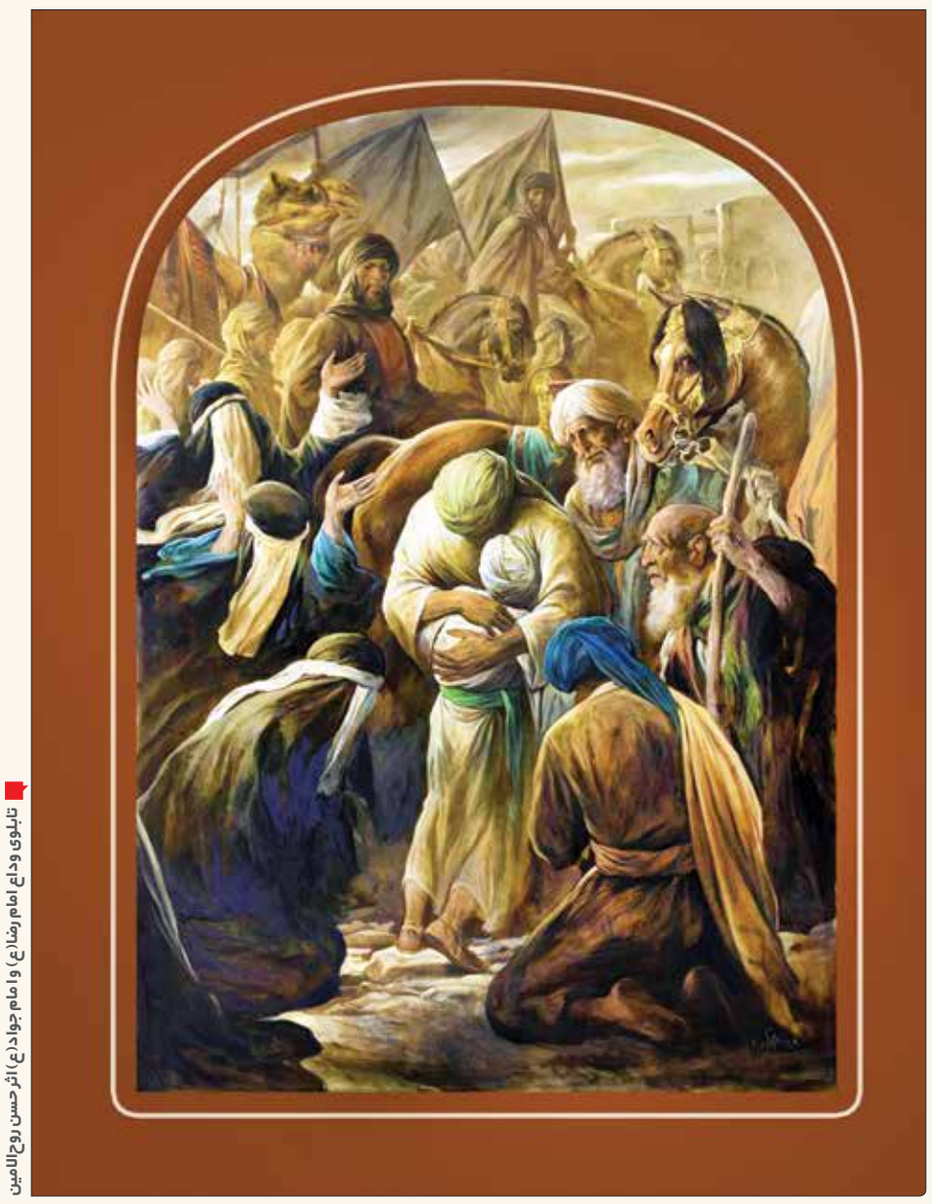
تلاش امام جواد(ع) از انحراف شیعیان

در دوره امامت امام جواد(ع) برخی فرقه‌های اهل حدیث وجود داشتند. آن حضرت با آگاه کردن شیعیان، تلاش داشتند تا از انحراف شیعیان و جذب شدن‌شان به این فرقه‌ها ممانعت کنند. ازجمله این فرقه‌ها می‌توان به مجسمی اشاره کرد که خدا را جسم می‌دانستند. امام درباره آنان به شیعیان فرموده بود که اجازه ندارند پشت سر آنها نماز بخوانند یا به آنها زکات بپردازند. فرقه واقفه از دیگر فرقه‌ها بود و اعضای آن کسانی بودند که پس از شهادت امام کاظم(ع) بر آن حضرت توقف کرده بودند و امامت فرزندش علی بن موسی‌الرضا(ع) را نپذیرفته بودند. زیدیه نیز فرقه دیگری بود که از شیعه منشعب شده و دشمنی‌ای آشکار با امامیه داشت. طعن این فرقه بر امامان علیهم‌السلام موجبات موضع‌گیری تند ائمه در برابر آنها را فراهم آورده بود. غلات، یکی دیگر از فرقه‌های منحرف بودند که به خاطر بدنام کردن شیعه، مورد تنفر امامان بودند. خطر این فرقه ضاله برای شیعیان بسیار جدی بود؛ زیرا آنها روایاتی را برای امامان علیهم‌السلام جعل می‌کردند و شیعیان را منحرف می‌ساختند.

اصحاب امام محمد تقی(ع)

بسیاری از یاران امام محمد تقی(ع) از اصحاب پدر بزرگوار و فرزندان آن حضرت بودند. این افراد سال‌ها عمر کرده و حتی تألیفات باارزشی درباره احادیث امامان تألیف کرده بودند. یکی از یاران امام جواد(ع) عبدالعظیم حسنی بود که در ری زندگی می‌کرد و در کتابت و اشاعه احادیث امامان تلاش بسیاری کرده بود. کوشش‌های او در این زمینه باعث ازدیاد شیعیان و رواج تشیع در ری شد. علی بن مهزیار اهوازی یکی دیگر از یاران نزدیک امام جواد(ع) بود. او در اصل مسیحی بود و پس از مسلمان شدن، از خواص و یکی از اصحاب امام رضا(ع) و پس از ایشان از یاران امام جواد(ع) شد. از او احادیث زیادی از امام رضا و امام جواد(ع) به ما رسیده است.

بر طبق روایت مسعودی در مروج الذهب شهادت این امام بزرگوار به دست ام‌فضل، دختر مأمون و همسر امام و زمانی رخ داد که امام از مدینه به بغداد نزد معتصم آمده بود. برخی مورخان علت شهادت آن حضرت را چنین عنوان می‌کنند که ابن ابی‌دؤاد، قاضی بغداد، به امام رشک می‌ورزید و به همین خاطر نزد معتصم از امام بدگویی کرد و موجبات شهادت آن حضرت به وسیله مسموم شدن را فراهم آورد. شهادت امام جواد(ع) به وسیله دسیسه معتصم و زهری که به روایتی توسط همسر یا غلامش به ایشان داده شد، صورت گرفت. قبر مطهر آن حضرت در کنار جدش امام کاظم(ع) در کاظمین قرار دارد.



تابلوی وداع امام رضا(ع) و امام جواد(ع) اثر حسن روح‌الامین